

اندر ضرورت پژوهش و نوگرایی در حوزه های علمیه

استاد جلیل الماسی

به نام او که هر لحظه با تجلی جدیدی به دلربایی می آید و هر آن، با اسمی تازه و با صفتی بدیع به خودنمایی می گراید.

کُلَّ یَوْمٍ خود همی شانی دگر در طرب با ساز و آوازی دگر

(شعر از نگارنده)

هستی از عشق آن دلارام، در تب و تاب است؛ به اعراض و به جوهر، التهاب و انقلاب است. جهان هستی علی الدوام، در مسیر «شدن» است؛ صحنه گیتی و جامعه بشری در حرکت و مبراً از «بودن» است. در نتیجه شناخت تجلیات آن شاهد هر جایی و آن دلبر بازاری در صحنه هستی و جوامع بشری، نیاز مبرم به حرکت، پویایی، شدن و تلاشی پیگیر و همه جانبه دارد. حیات هر پدیده و بودن هر موجودی، نشأت گرفته از «حرکت» اوست. عدم حرکت، نشانه نابودی و اضمحلال «موجود» است.

حوزه های علمیه، شاهرگ حیاتی اسلام اند؛ چشمه های جوشان معارف و احکام اند. عالمان شریعت، وارثان انبیائند؛ راویان حدیث، حجت مهدی (عج) بر خلق خداوند. حال، دوام حوزه های علمیه، وراثت عالمان و حجیت راویان، همگی در سایه حرکت، تلاش و نو شدن لحظه به لحظه، در راستای بیان ظواهر قرآن، کشف بطون فرقان و تبیین صحیح و به روز مآثورات است.

هر مکتبی، هر تفکری، هر بینشی که به دور از اصل حرکت و نوگرایی باشد، نابودی و مرگ خود را به انتظار نشسته و خود به خودکشی خود، کمر همت بسته است. رسیدن به درگاه ربّانی و دریافت فیوضات سبحانی، تنها از طریق حرکت و شدن میسر است. ایستایی و درجا زدن، مطرود درگاه حضرت باری است که خود:

به هر آنی کند نوعی تجلی تجلی های او عین صواب است

(شعر از نگارنده)

حوزه علمیه «حله» به عنوان یک مکتب آموزشی، مصداق بارزی از این خودکشی است که نوگرایی و به روز شدن را به فراموشی سپرده بود؛ آن هم حوزه های که «ابن ادریس» ها، «ابن مطهر» ها و «ابن فهد» ها را در خود پرورش داده بود. برای رهایی از این خودکشی، باید با حفظ اصول و با توجه به فرهنگ غنی و بالنده اسلام در عرصه های مختلف معرفتی و با عنایت به میراث عظیم گذشتگان حوزه، همراه نقد عالمانه و منصفانه دیدگاه علمای سلف، «فرزند زمان خویش» بود و با نیم نگاهی به گذشته، در خلع و لبسی جدید بر محور نوگرایی، زمان «حال» را منطبق بر تغییر و تحول جامعه، آن هم در قالب «دهکده بزرگ جهانی» در راستای آینده ای پُربار، به ساختن آمد.

پیشرفت علم و تکنولوژی، چشم آدمی را خیره کرده است. انقلاب علمی و صنعتی، در گستره زمین و آسمان، آدمی را مات و مبهوت نموده است. فناوری‌های جدید، زندگی را تغییر زیربنایی داده‌اند. وسایل ارتباط جمعی و اینترنت، فواصل زمانی و مکانی را از بین برده‌اند. روابط قدیم بین‌الملل، جای خود را به روابط جدید بین‌الملل داده است. اقتصاد بسته دیروز، به اقتصاد باز و به بازار جهانی امروز، تغییر ماهیت داده است. بانکداری جدید که زائیده اقتصاد باز و فراگیر است، به خودنمایی آمده است. مظاهر زندگی ماشینی و حلاوت ظاهری‌اش، بنیان‌های دینی را به سستی آمده‌اند. فاصله فقیر و غنی، ثروت‌های بادآورده و رانت‌خواری، در نوید ظلم و ستم به خودنمایی برخاسته‌اند. موسیقی‌های مبتذل و زیرزمینی بر جوانان یورش آورده است. فرهنگ مصرف، آن هم مصرف کاذب و تجمل‌گرایی برگرفته از آموزه‌های غربی، سر برآورده است. تمایل جوانان برای ازدواج بر محور تشکیل خانواده، به تقلیل آمده است.

موارد معروضه، جامعه اسلامی را در زمینه‌های رفتاری، اجتماعی، سیاسی، روانی، اخلاقی، قضایی، اقتصادی، اعتقادی و مکتبی، به چالش و درگیری آمده‌اند. چالش‌های مذکور، سؤالات فراوانی را فراروی اقشار مختلف جامعه، به‌خصوص، نسل جوان قرار می‌دهند. این چالش‌ها و این سؤالات، راه‌حل می‌خواهند، جواب شافی و کافی را می‌طلبند. از طرف دیگر، نسل جوان، راه‌حل چالش‌های مذکور و سؤالات زائیده این چالش‌ها را از اسلام می‌خواهد، آن هم از اسلامی که بیش از سه دهه است که حاکمیت جامعه را به دست گرفته است. راه‌حل این چالش‌ها و جواب این سؤالات، بر عهده نهادی است که علت‌موجه و علت‌مبقیه این نظام مقدس است. بدون شک و تردید، این نهاد، نهاد حوزه و نهاد روحانیت است. این روحانیت انقلابی و پرخاشگر بود که به زعامت پیر جماران، خمینی کبیر(ره) به مبارزه و انقلاب درآمد و نظام اسلامی را بر بشریت به هدیه آمد.

پس متولّی اصلی در استمرار این نظام و باروری آن، نهاد حوزه و روحانیت است. حوزه نمی‌تواند از زیر بار سنگین مسئولیت خودخواسته و خودساخته، شانه خالی کند و چالش‌ها و سؤالات فراروی نظام اسلامی را نادیده بگیرد، که اگر چنین کند که نخواهد کرد، اسلام را دچار سرنوشتی همچون سرنوشت مسیحیت در اروپا خواهد کرد و نتیجه‌اش پیروزی اسلام سکولار و آمریکایی بر اسلام ناب نبوی و کنار رفتن اسلام از متن زندگی به حاشیه خواهد بود.

امروز، حوزه و روحانیت را واجب عینی است که برای رفع معضلات جامعه در هر زمینه‌ای، راه‌حل‌های متناسب با زمان «حال» را با ابزار اجتهاد پویا و نوگرا، از بطن جهان‌بینی اسلامی بیرون بکشد و سؤالات مطروحه در ذهن جوانان خلاق را با خلاقیت مکتبی، جواب شافی و کافی بدهد. راه‌حل چالش‌ها و پاسخ سؤالات زمان «حال» را نه در «گذشته»، که باید در زمان «حال» به جستجو آمد؛ آن هم با نگاهی به آینده. برای رسیدن به این مهم، چاره‌ای جز قدم نهادن بر مسیر حرکت، شدن و نواندیشی، در سایه پژوهش نخواهد بود.

حوزه برای ارائه راه‌کارهای عملی در راستای حلّ معضلات جامعه و پاسخ به سؤالات چالشی مختلف در سایه تئوری‌های نظری، باید پژوهش را جدی بگیرد و برای رسیدن به پژوهشی مثمر ثمر، باید خود را به محاسبه آید، نقاط ضعف و قوت خود را مشخص کند؛ آن‌گاه ضعف‌ها را به قوت آید و قوت‌ها را به تکامل گراید. پژوهش، مصداق بارز «تفقه» (توبه: 123) در فهم دین است که محقق را از ظاهر دین به اعماق دین می‌کشاند تا به معارفی جدید دست یابد و لبّ اللباب دین را به مطالعه عمیق گیرد.

حوزه باید پژوهش‌گرایی را پیشه خود کند تا بتواند ظرفیت‌های جهان‌بینی اسلامی و به‌ویژه ظرفیت‌های فرهنگ شیعی در زمینه‌های مختلف قرآنی، حدیثی، کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصادی، سیاسی، علمی و صنعتی را به ظهور و بروز آید. روحانیت را لازم و ضروری است که ساختار حوزه را از بیخ و بن بر پایه پژوهش‌گرایی، به تغییر و بازسازی آید. باید فلک را سقف بشکافد و طرحی نو دراندازد. باید بنیاد مخالفان سنتی نوگرایی و پژوهش را از بیخ و بن براندازد، تا انرژی‌های نهفته و در بند حوزه به آزادی گراید و به معجزه‌آفرینی درآید.

حوزه را چه می‌شود که درسی با عنوان «پژوهش و نوگرایی» را برای تدریس، به انتخاب نیامده است؟ تا طلاب از همان ابتدای ورود به حوزه، با فرهنگ پژوهش، حرکت و نوگرایی مشروط آشنا شوند و در ورطه تحجر و ایستایی سقوط نکنند.

پژوهش مسئله‌محور و دردمحور را شرایطی باید و آن این‌که: مدیریتی قوی، علمی، بسیجی و جهادی، لازمه پژوهش است؛ تعیین اهداف، آن هم در قالب اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، از ارکان زیربنایی پژوهش می‌باشد. پژوهش، تشخیص دقیق نیازها و ضرورت‌های جامعه در حال تحول ایران اسلامی را فریاد می‌زند؛ پرهیز از موازی کاری، از لوازم ضروری پژوهش است. دوری از تکرار مکررات، لازمه پژوهش می‌باشد. پژوهش را با عجله و شتاب غیرعلمی، هیچ سختی نیست. پژوهش، متانت علمی و همت عالی را در طلب است.

خدای را شکر و سپاس که بعد از انقلاب اسلامی و به‌ویژه در سال‌های اخیر، حوزه‌های علمیه، پژوهش را به بها آمده‌اند و در این زمینه، دستاوردهای مثبت فراوانی را به ارائه آمده‌اند. مدیریت حوزه‌های علمیه تهران هم بر همین مسیر به تکاپو برخاسته، پژوهش را وجهه همت خود ساخته و با انتشار فصلنامه محفل و همچنین با برگزاری جشنواره‌های متعدد علمی در راستای اشاعه فرهنگ اسلامی و معرفی مکاتب فقهی، فلسفی، عرفانی، اصولی و تفسیری بزرگان سلف، خدمات شایانی را به عرضه آمده است. برگزاری جشنواره بزرگداشت و تبیین مبانی فکری علامه فرزانه میرزا ابوالحسن شعرانی (ره)، از همین نوع است.

مدیریت حوزه علمیه تهران با قبول زحمت طاقت‌فرسا در برگزاری این جشنواره و با درخواست ارائه مقاله از اساتید و صاحب‌نظران، ارزش و اعتبار جشنواره را دوچندان کرده است. بدون شک روح ملکوتی علامه شعرانی، جشنواره را در هاله‌ای از نور الهی به روشنایی آمده است.